

پژوهش در کتیبه‌های سنگاب مسجد رحیم‌خان

زهرا حبیبی

پژوهشگر متون و کتیبه‌های دوران اسلامی، پژوهشگاه میراث فرهنگی، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون
z.habibi1515@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۷ / ۰۳ / ۹۶

تاریخ پذیرش: ۰۸ / ۰۶ / ۹۶

چکیده

سنگاب‌های اصفهان حاصل دست هنرمندان توانا و چیره‌دست اصفهانی در ادوار مختلف تاریخ است. این ظروف سنگی بزرگ را در گذشته خیرین وقف می‌کردند و در اماکن عمومی قرار می‌گرفت و با آب خنک و گوارای خود هر تشنه‌لیبی را به یاد امام حسین(ع) و شهدای کربلا سیراب می‌کرد. در این مقاله به کتیبه‌های سنگاب مدور مسجد رحیم‌خان پرداخته شده است. این سنگاب بر اساس متن کتیبه‌ها و ماده تاریخ آن در سال ۱۲۹۹ق توسط آقا میرزا اسدالله فرزند ابوالقاسم ساخته و وقف شده است. در این پژوهش به تحلیل متن کتیبه‌های حجاری‌شده بر بدنه سنگاب و بیان احوال پدیدآورندگان آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

سنگاب، کتیبه، میرزا اسدالله، ابوالقاسم، محمد رحیم‌خان، اصفهان.

بر این آثار تاریخی هنری دیده نمی‌شود. سنگاب‌ها نیز که جزء عناصر آبی و موقوفات عام‌المنفعه هستند از آنچه گفته شد مستثنی نیستند. نگارنده در این مقاله ضمن پژوهش در متن کتیبه‌های سنگابی از دوره قاجاریه در صدد پاسخ‌گویی به چستی محتوا و مضمون متن کتیبه‌های آن و کیستی افرادی است که در ساخت و ایجاد آن نقش آفرینی کرده‌اند. تحقیقات معدودی درباره سنگاب‌های اصفهان انجام شده که در قالب کتاب و مقاله چاپ شده است. کتاب *سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان* تألیف منصور دادمهر که پژوهشی درباره عناصر آبی است، به پیدایش و معرفی آب‌انبارها و سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان پرداخته و در معرفی سنگاب‌ها متن کتیبه آنها را خوانده اما تحلیلی از آنها ارائه نکرده است. *لطف‌الله هنرفر* در کتاب *گنجینه آثار تاریخی اصفهان* ضمن بیان آثار تاریخی اصفهان به سنگاب موضوع پژوهش و کتیبه‌های آن اشاره کرده اما شرح و تحلیلی از کتیبه‌های آن ارائه نکرده است. مقاله «سنگاب‌های اصفهان، هنر قدسی شیعه» تألیف عفت‌السادات افضل طوسی، در *فصلنامه هنر معماری و شهرسازی نظر*، سنگاب‌ها را به عنوان یک هنر شیعه معرفی کرده و به سنگاب مسجد رحیم‌خان فقط اشاره کرده است.

این پژوهش ترکیبی از پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای است. داده‌های پژوهش میدانی متن کتیبه‌های سنگاب و تصویر آن است. در این تحقیق اطلاعات کلی از سنگاب (محل استقرار، شکل ظاهری و ویژگی‌های فیزیکی آن) به دست داده شده و متن کتیبه‌های آن بازخوانی و آورده شده و اگر خوانشی قبلی از کتیبه وجود داشته که تفاوتی با اصل متن کتیبه داشته به آن توجه شده است و در ادامه مضمون کتیبه‌ها و تحلیلی از آنها بیان شده است. ضمن تحلیل متن کتیبه‌ها به اعلام آن پرداخته شده و در پایان شرح حال مختصری از افرادی که نام‌شان در متن کتیبه‌ها ذکر شده از جمله بانی و سازنده و کاتب و شاعر و حجار با استناد بر متون تاریخی ارائه شده است.

۱.۱. سنگاب‌ها

عنصر حیاتی آب ارزش و جایگاه خاصی در زندگی انسان-ها دارد و نبودش برای لحظه‌ای زندگی را متوقف و نتایج جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد. ایرانیان از گذشته زندگی خود را با وضعیت جوی و جغرافیایی و کمبود آب سازگار کرده‌اند و به منظور دست یافتن به آب در مناطق گرم و خشک کویری به‌خصوص در گرمای سوزان تابستان تدابیر خاصی اندیشیده‌اند. آنان با بهره گرفتن از تمامی توانایی‌های خود اقدام به حفر قنات و در کنار آن ذخیره‌سازی آب‌های فراوان زمستان برای مصرف فصل‌های گرم سال کرده و به همین

کتیبه‌ها اسناد و مدارک تاریخی دست اولی هستند که داده‌های آن‌ها بدون واسطه در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد. لذا بررسی و تجزیه و تحلیل این اسناد از منظرهای گوناگون حائز اهمیت و گشاینده دریچه‌هایی از تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی پیش دیدگان محققان و علاقه‌مندان است. سرزمین پهناور و باستانی ایران شهرت و آوازه‌اش را وام‌دار شهرهای تاریخی و باستانی چون شهر اصفهان است. این شهر در طی تاریخ و اعصار مختلف همواره مورد توجه بوده است و اوج شهرت و شکوفایی‌اش در زمینه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، و هنری در عهد صفویه بوده و دلیل آن مرکزیت آن و توجه شاهان و امرا و دولت‌مردان به مذهب تشیع بوده است. در این دوره هنر در مفهوم کلی جایگاه ویژه‌ای داشته که این امر نشأت گرفته از توجه و علاقه شاهان و امرا و درباریان به رشته‌های مختلف هنری بوده است. با وجود آن که این اوج و شکوفایی در دوره قاجار رو به افول نهاده است اما هنر و هنرمند همچون گذشته جایگاه خود را برای نمایش خود و آثارش حفظ کرده است. شهر اصفهان به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش همیشه مورد توجه بوده و به همین سبب آثار تاریخی بسیاری (از جمله در قرن چهارم هجری) در این شهر بنا شده است. آثار تاریخی این شهر از آب‌انبار که برطرف‌کننده نیاز اولیه انسان به آب مایع حیات در جهت پرورش و رشد جسم است، گرفته تا مساجد و مدارس که برطرف‌کننده نیاز روحی انسان در جهت پرورش و بالندگی روح و روان هستند، حیرت هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزاند.

هر یک از این بناهای تاریخی شناسنامه‌هایی درخور ویژه دارند. این شناسنامه‌ها که کتیبه‌های منصوب بر سردر، صحن و سرا و ... هستند، دربردارنده اطلاعات تاریخی، دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی و هنری هستند. به بیان دیگر متن کتیبه‌ها داده‌های بسیار مهم و ارزشمندی را در اختیار پژوهشگر تاریخ، ادبیات، هنر و باستان‌شناس قرار می‌دهد تا آنان بتوانند با مطالعه و پژوهش در باره آنها به زوایای تاریک تاریخ دست یابند.

کتیبه‌ها مختص به امامزاده‌ها و آرامگاه‌ها و مساجد و مدارس نبوده و نیست و روی کوچکترین شیء تولید دست انسان نیز دیده می‌شود و علت آن علاقه فطری و ذاتی انسان به جاودانگی است. در این میان خیر اصفهانی به هنگام وقف بنا یا شیء عام‌المنفعه از ذکر یک جمله و یا یک بیت شعر دریغ نکرده و هنرمند کاتب و حجار نام خیر و گاهی خود را نیز به طریقی بسیار هنرمندانه در گوشه و کنار آن اثر با خطی بسیار زیبا به یادگار نهاده است. اما گاهی به دلیل تواضع و فروتنی آنان، نام و نشانی از هیچ یک از این افراد

منظور برای دستیابی آسان به آب، اقدام به ساخت آب انبارها و سقاخانه‌ها و سنگاب‌ها کرده اند.

سنگاب یا دوست‌کامی ظرف سنگی بزرگی است که در گذشته کاربردی خاص داشته و در حیاط امامزاده‌ها، مساجد، مدارس، اماکن عمومی نصب و جهت وضو گرفتن و رفع عطش پر از آب می‌شده است. اما امروزه این ظروف سنگی بزرگ تبدیل به اشیای موزه‌ای و زینت‌بخش بناهای تاریخی شده اند و بازدیدکنندگان بسیاری را به سوی خود فرا می‌خواند. بدون اغراق می‌توان گفت که در شهر اصفهان بیش از صد سنگاب در مکان‌های مذکور وجود داشته و دارد که کارکرد آنها کاملاً به فراموشی سپرده شده است.

این ظروف سنگی تاریخی هنری در دو شکل مدور و مستطیلی ساخته شده و در مکان‌های خاصی از بنا نصب شده است. سنگاب‌های مکعب مستطیل در کنار و یا گوشه‌ای از بنا و سنگاب‌های گرد و مدور در ورودی بناها، هشتی، جلوی ایوان‌ها یا در کنار حوض تعبیه شده است. تزیینات آنها اغلب کتیبه، نقوش گیاهی و نقوش گیاهی و حیوانی است که بر بدنه بیرونی آنها حجاری شده است.

برخی از سنگاب‌ها (چه مدور و چه مستطیلی) ساده اند و تزییناتی ندارند مانند سنگاب مستطیلی تکیه مادر شاهزاده واقع در تخت فولاد اصفهان که در ورودی صحن و داخل دیوار تعبیه شده و دو سنگاب مدوری که در مسجد امام نصب شده است. برخی از سنگاب‌ها فقط مزین به کتیبه است؛ مانند سنگاب مستطیل شکل تکیه بابا رکن الدین و بقعه میرفندرسکی و تکیه آغاباشی واقع در تخت فولاد و نیز سنگاب کاخ موزه چهلستون و بسیاری از سنگاب‌های مدوری که در مساجد و مدارس و امامزاده‌ها تعبیه شده است. سنگاب‌های مدور علاوه بر کتیبه با نقوش دیگری چون طرح‌های اسلیمی، گل‌های عباسی و لوتوس و گاهی طرح‌های هندسی تزیین شده است؛ مانند سنگاب بسیار نفیس و منحصر به فرد مسجد امام که در چهلستون غربی مسجد قرار دارد. گاهی تزیینات این آثار تاریخی نقوش اسلیمی است؛ مانند سنگاب بسیار زیبای ورودی مسجد امام اما برخی از سنگاب‌ها فاقد تزیینات ذکر شده و بسیار ساده هستند.

در گذشته نه چندان دور این قده‌های سنگی بزرگ را افراد خیر بر امام حسین^(ع) و حضرت عباس^(ع) وقف می‌کردند. این ظروف سنگی در ابعاد مختلف از سنگ یکپارچه مرمر، یشم، سنگ پارسی و یا نوعی سنگ آهکی تراشیده می‌شد (دادمهر، ۱۳۷۸: ۱۰۹) و با نقوش بسیار زیبا و اشعاری از شعرای معروف و گمنام، توسط کاتبان و حجاران هنرمند و زبردست نوشته و حجاری و تزیین می‌شد. لذا در ساخت آنها سنگ‌تراش، واقف، شاعر، کاتب، طراح، و حجار نقش آفرینی می‌کردند. در این مقاله سعی بر آن داریم تا به کتیبه‌های

سنگاب مسجد رحیم‌خان از آثار تاریخی هنری دوره قاجار بپردازیم. با توجه به اینکه اغلب سنگاب‌ها یک یا دو کتیبه بیشتر ندارند، تعدد کتیبه‌های این سنگاب سبب نگارش این مقاله شد.

۲.۱. مسجد رحیم‌خان

مسجد رحیم‌خان در ابتدای محله نو و متصل به محله درب-کوشک در خیابان طالقانی، خیابان مسجد رحیم‌خان قرار دارد (تصویر ۱). به دستور مرحوم میرسیدحسن مجتهد (مدرس) اصفهانی^۱ ساخت مسجد آغاز می‌شود اما در حین ساخت مسجد وفات می‌کند و محمدرحیم‌خان بیگلریگی^۲ ادامه ساخت مسجد را عهده‌دار می‌شود. اما وی نیز در سال ۱۲۹۵ق وفات می‌کند و دو برادرش محمدکریم‌خان و محمدحسین‌خان عهده‌دار ساخت بنای نیمه‌کاره مسجد می‌شوند. در حین ساخت مسجد محمدکریم‌خان نیز وفات می‌کند و ساختمان مسجد را محمدحسین‌خان به پایان می‌رساند.

در مسجد رحیم‌خان تاریخ‌های مختلفی چون سال ۱۲۹۰ق مکتوب بر کتیبه ستون سنگی آن، سال ۱۲۹۵ق بر سقف ایوان، سال ۱۲۹۵ق و ۱۳۰۱ق در کتیبه سردر شرقی، سال ۱۳۰۴ق در کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی و کتیبه فوقانی محراب مسجد، سال ۱۲۹۹ق بر سنگاب آن، و تاریخ ۱۳۷۸ق در دو پشت‌بغل غرفه وسط ضلع شمالی صحن مسجد دیده می‌شود (هنرفر، ۱۳۵۰: ۷۹۶). در این مسجد بیش از پانزده کتیبه وجود دارد که هر یک به زیبایی بنا افزوده و بیانگر هنر کاتب و کاشیکار آن هستند. در کنار زیبایی‌های مسجد رحیم‌خان سنگاب بزرگ و مدور آن با چهار کتیبه جلب توجه می‌کند (تصویر ۲).



تصویر ۱. ورودی مسجد رحیم‌خان (عکس از: نگارنده).

۲. سنگاب مسجد رحیم خان

این سنگاب مدور بسیار بزرگ و زیبا که از سنگ یکپارچه پارسی تراشیده شده و متصل به سنگ پایه‌ای چهارگوش است، در زیر ایوان جنوبی مسجد نصب شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. ایوان جنوبی مسجد (عکس از: نگارنده).

بر اساس متن کتیبه‌های حجاری شده بر سنگاب، فردی به نام اسدالله^۳ آن را بر سیدالشهداء^۴ وقف کرده است. تزیینات آن منحصر به چهار کتیبه ادبی (سه قطعه شعر و یک قطعه نثر) است که بر بدنه بیرونی آن حجاری شده است. دو کتیبه منظوم این سنگاب بر لبه بیرونی آن در دو ردیف نوشته شده و کتیبه دیگر که وقفنامه^۵ سنگاب است

در زیر این دو به نثر در داخل یک نیم ترنج بزرگ نقر شده است و سومین کتیبه منظوم در قسمت میانی بدنه سنگاب داخل یک ترنج بزرگ کتابت و حجاری شده است (تصویر ۳).

۱.۲. کتیبه اول

اولین کتیبه این سنگاب که دورتادور لبه بیرونی آن حجاری شده، شعری از سروده‌های میرزا محمدباقر خواجه‌ای متخلص به «بهاء» به خط نستعلیق برجسته به تاریخ ۱۲۹۹ ق است. هر یک از مصرع‌های ابیات این شعر داخل یک ترنج کتابت و حجاری شده است (تصویر ۴). متن کتیبه این است:

- ۱ از عنایات کردگار رحیم
 - یافت توفیق این ثواب عظیم
 - ۲ اسدالله دبیر نیکوخو
 - که ورا حسن خلق طبع کریم
 - ۳ از برای حسین تشنه‌جگر
 - سنگ آبی چو کوثر و تسنیم
 - ۴ وقف بنمود بهر تشنه‌لبان
 - بی‌ریا از خلوص قلب و صمیم
 - ۵ دل آن سنگ را نمود چو آب
 - تا که بر تشنه‌گان دهد تعلیم
 - ۶ لعن بر قاتل حسین کنند
 - بعد ذکر تحیت و تسلیم
 - ۷ بهر تاریخ او بهاء می‌گفت
 - جام ده سنگ‌آب فوز عظیم
- ۱۲۹۹



تصویر ۳. سنگاب مسجد رحیم خان (عکس از: نگارنده).



تصویر ۴. مطلع و مقطع شعر کتیبه اول (مأخذ: نگارنده)

تحلیل متن کتیبه

شاعر در این شعر سنگاب را به حوض کوثر تشبیه کرده که فردی به نام اسدالله آن را بر سیدالشهدا^(ع) وقف کرده است. او از نوشندگان خواسته که بر امام شهیدان درود و سلام داده و بر قاتلان آن حضرت لعن کنند. سراینده در پایان تخلص خود و ماده تاریخ ساخت سنگاب را با مصرع «جام ده سنگ آب فوز عظیم» آورده که به حساب ابجد ۱۲۹۹ می‌شود. در بیت اول شاعر با بهره گرفتن از صنعت ایهام با ذکر نام و یاد خداوند به نام رحیم‌خان بیگلربیگی نیز اشاره کرده است.

واقف سنگاب

میرزا اسدالله واقف سنگاب، فرزند حاجی ابوالقاسم و از پسرعموهای میرزا جواد بود. میرزا جواد سرسلسله بناهایی بود که اهل قلم شد. وی در سلک میرزایان بود و منصب مستوفی داشت و خط خوش و بی نظیری داشت و در اصفهان مدت کوتاهی نیز وزیر بود. میرزا اسدالله نیز شاید به تبعیت از میرزا جواد محرر محمدرحیم‌خان بیگلربیگی اصفهان شد (تحویل‌داری، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

شاعر در بیت دوم از اسدالله با عنوان «دبیر» یاد کرده است. واژه «دبیر» در فرهنگ سخن و در جایگاه دیوانی به معنای: منشی و کاتب در دربار شاهان یا امیران، نویسنده و منشی که حساب‌ها را نگاه می‌داشت، و محاسب آورده شده است (انوری، ۱۳۸۲: ۹۹۲). این واژه از عصر ساسانی به دوران اسلامی راه یافته و تقریباً همان کارکرد و مفهوم را در تشکیلات دیوان اسلامی داشته است (روستایی، ۱۳۹۵: ۳۶۹). در دوره ساسانی دیوان رسائل و انشا محل فعالیت دبیران بود و دبیران در این دوره همه نوع اسناد را آماده

می‌کردند و مکاتبات دولتی به دست آنان انجام می‌شد. آنها فرمان‌های سلطنتی را انشاء و ثبت می‌کردند، جزء جمع هزینه‌ها را مرتب و محاسبات دولت را اداره می‌کردند. شغل آنان موروثی بود و پادشاهان دبیران خود را از میان کسانی انتخاب می‌کردند که پدرانشان دبیر بودند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۲۴۷).

بیهقی در کتاب خود بیان می‌کند که دبیری از مشاغل دیوان رسالت بوده و دیوان رسالت به دبیرخانه یا دارالانشاء سلطنتی، دیوان مکاتبات یا رسائل و دیوان انشا اطلاق می‌شده است. در واقع مرکزی بوده که در آنجا نامه‌های سلطنتی تحریر می‌شده است. «...و هر روزی بونصر به خدمت می‌رفت و سوی دیوان رسالت نمی‌نگریست» (بیهقی، ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۶) و دبیر به معنای نویسنده، محرر و منشی است «...و طاهر دبیر می‌نشست به دیوان رسالت با بادی و عظمتی سخت تمام» (همانجا)، «... و اگر ما دبیری را فرماییم که چیزی نویس...» (همان، ۲۳).

در دوره ایلخانی و تیموری دبیری همان مفاهیم و کارکردهای ذکر شده را داشت و مسئولیت آنان شبیه منشیان بود و از مشاغل بسیار مهم درباری بود. برخی از وزرای این دوره از دبیران دیوان بودند که بعدها به مقامات عالی‌تر راه می‌یافتند (روستایی، ۱۳۹۵: ۳۶۹).

بعد از دوره تیموری دبیران تقریباً همان وظایف ذکر شده را با اندکی تغییر و تحول انجام می‌دادند. در دوره افشاریه و زندیه پادشاهان هر دو سلسله به علت لشکرکشی‌های بسیار تشکیلات ثابتی نداشتند. اما در زمان قاجاریه به خصوص پس از آقا محمدخان که کشور به یک ثبات و آرامشی رسید، تشکیلات اداری توسعه یافت و مشاغل اداری و مستخدمان

زیاد شدند و در نتیجه پرداخت حقوق آنان و صدور فرمان و انشا فرمان و... ایجاب می‌کرد دارالانشایی باشد و دبیر و منشی و نویسنده بیشتری به کار گرفته شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۲۴۵-۲۵۸). بنا بر توضیحات فوق اسدالله دبیر در دستگاه محمدرحیم‌خان بیگلربیگی نویسنده و منشی بوده است.

شاعر شعر کتیبه

سراینده شعر میرزا محمدباقر خواجویی متخلص به «بهاء» از اعقاب میرزا نورالله ضیاء کفرانی است. وی سال ۱۳۱۶ق وفات کرد (مهدوی، ۱۳۸۴ج ۲: ۷۴۱).

۲.۲. کتیبه دوم

دومین کتیبه این سنگاب که در پایین کتیبه پیش‌گفته حجاری شده است، شعری از سروده‌های عباسعلی لبنانی متخلص به «خرم» مورخ به سال ۱۲۹۹ق است. این شعر به خط نستعلیق است و هر مصرع از ابیات آن داخل یک ترنج کتابت شده است (تصویر ۵). متن کتیبه این است:

۱ وحید عصر اسدالله با نژاد و گهر
که در نوشتن افراد هست فرد و فرید
۲ در این مکان خوش این سنگ‌آب را آورد
که شیعہ آب بنوشد بیاد شاه شهید
۳ طلب نمود ز خرم خجسته تاریخی
بگفت باد دو صد لعنت خدا به یزید
۱۲۹۹

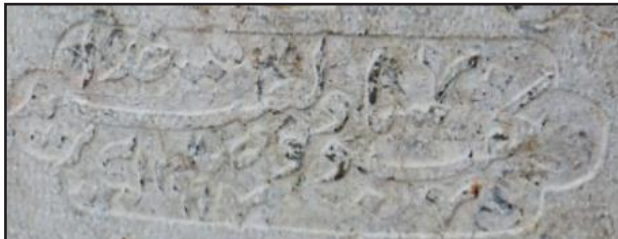
تحلیل متن کتیبه

شاعر در بیت اول با کلمه «وحید» به کم‌نظیر بودن اسدالله و با کلمات «با نژاد و گهر» به اصالت او اشاره می‌کند و در مصرع دوم در وصف وی با مصرع: «که در نوشتن افراد هست فرد و فرید» اشاره به شغل وی می‌کند. سراینده در پایان تخلص خود و سال ساخت سنگاب را می‌آورد.

واژه «افراد» که در مصرع دوم بیت اول آمده جمع فرد است و در اصطلاح دیوانی ورقه‌ای است به اندازه نصف قطع خشتی و گاهی هم باریک‌تر که منشیان و مستوفیان دیوان سواد فرمان‌ها و احکام و نیز جمع و خرج دولت و ولایات را بر روی آن می‌نوشتند و آنها را روی هم دسته می‌کردند، فرد و فرد حساب و جمع آنها را افراد محاسبات می‌گفتند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۲۳). بر اساس این توضیح اسدالله در دستگاه محمدرحیم‌خان محاسب و از کارکنان دیوان استیفا بوده است.

شاعر شعر کتیبه

سراینده شعر منقور بر کتیبه عباسعلی لبنانی متخلص به «خرم» فرزند کاظم لبنانی، از شعرای اصفهان بوده که سال ۱۲۳۷ق به دنیا آمده است. وی مدتی در لنجان مباشر و نیز مدتی در اردستان تحویلدار حکومت بود. با شعرایی چون رکن‌الملک شیرازی متخلص به خلف، پرتو، مسکین، منعم، افسر، الفت، آشفته، مانی، و بقا معاصر و مباشر بود. دیوان اشعارش با عنوان دیوان خرم اصفهانی و یا دشت خرم به چاپ رسیده است. او در آخرین صفحه دیوانش ماده تاریخ فوت خود را چنین سروده است:



تصویر ۵. مطلع و مقطع شعر کتیبه دوم (عکس از: نگارنده).

گفت خرم بهر تاریخ وفات خود چنین

آه من مُردم خدا بادا نگهدار همه

خرم سال ۱۳۲۴ ق وفات کرد و در تخت فولاد اصفهان در

تکیه چهارسوقی به خاک سپرده شد (مهدوی، ۱۳۸۲: ۵۹؛

خرم اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۲ مقدمه).

۳.۲. کتیبه سوم

سومین کتیبه این سنگاب شعری از سروده‌های محمدحسین

متخلص به «عنقا» به تاریخ ۱۲۹۹ ق است. این شعر بر قسمت

میانی بدنه سنگاب داخل یک ترنج بزرگ نوشته شده و هر

مصراع از ابیات آن داخل یک ترنج حجاری شده است (تصویر

۶). متن کتیبه این است:

۱ ز همت اسدالله راد مستوفی

که وقف کرده سر و جان براه آل عبا

۲ تمام گشت چو این سنگاب جانپرور

که خضر خورد از او جرعه و یافت بقا

۳ گرفت روی دو تاریخ را و عنقا گفت

سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا (تصویر ۷)

تحلیل متن کتیبه

در این شعر به نام بانی سنگاب اشاره شده و آب داخل آن به

آب حیات - که خضر نبی با نوشیدن آن جاودانه شد - تشبیه

شده است. شاعر در پایان تخلص خود را آورده و ماده تاریخ

ساخت سنگاب را با مصرع: «سلام ما و لب تشنگان کرب و

بلا» بیان کرده است که به حساب ابجد ۱۲۶۲ ق می‌شود و

این سال با زمان ساخت سنگاب بیش از ۳۰ سال تفاوت دارد.

بیت آخر با سروده اصلی شاعر کاملاً تفاوت دارد و به

همین علت مصرع دوم در حساب ابجد سال ساخت سنگاب

نمی‌شود. اصل شعر چنین است:

۱ به همت اسدالله راد مستوفی

که وقف کرده دل و جان برای آل عبا

۲ تمام گشت چو این سنگاب جانپرور

که خضر خورد از او جرعه‌یی و یافت بقا

۳ نهاد پای چو عنقا به جمع شد تاریخ

سلام ما بلب تشنه کام کرب و بلا

(همایی، ۱۳۴۳: ۸۹۵).

مصراع دوم بیت آخر «سلام ما بلب تشنه کام کرب و بلا»

عدد ۱۲۹۹ است که ماده تاریخ ساخت سنگاب است حال

آن که بر سنگاب «سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا» نوشته

شده است (تصویر ۸).



تصویر ۸. مصرع آخر (عکس از: نگارنده).

در این کتیبه شاعر از اسدالله با عنوان مستوفی یاد

می‌کند. در فرهنگ سخن «مستوفی» در جایگاه دیوانی،

فردی است که کارش رسیدگی به حساب‌های مالیاتی است؛

مسئول امور مالیاتی و یا حسابدار مالیاتی دیوان است (انوری،

۱۳۸۲: ۲۱۸۲) و مستوفی‌الممالک در دوره صفویه تا قاجار

فردی است که رئیس کل مأموران مالیاتی و به منزله وزیر

دارایی بوده است (همانجا).

مستوفی کسی بوده که در گذشته مسئولیت سرپرستی

امور دولتی حسابداری کشورهای اسلامی را به عهده داشته

است. به عبارت دیگر مستوفی نقش حسابدار کل را ایفا



تصویر ۶. کتیبه سوم سنگاب (عکس از: نگارنده).



تصویر ۷. مطلع و مقطع شعر کتیبه (عکس از: نگارنده).

می‌کرده است. واژه مستوفی اسم فاعل از استیفاء و به معنی کسی است که «حق خود را به‌طور وافی و کافی بگیرد» (لغتنامه دهخدا ذیل «مستوفی»). همچنین محاسب عواید مالیاتی است (روستایی، ۱۳۹۴: ۵۵۸).

محل کار مستوفی دیوان استیفاء بوده است. بیهقی در کتاب خود می‌گوید: «دیوان استیفاء» اداره مالیه و عوائد مملکت است که به حساب درآمد و هزینه می‌رسید و در واقع حل و فصل امور مالی در این دیوان انجام می‌شد و مستوفیان آن را اداره می‌کردند: «... عبدالغفار به دیوان استیفاء رود و بگوید مستوفیان را تا خط بر حاصل و باقی او کشند...» (بیهقی، ۱۳۸۵ ج ۶: ۱۸۰). از جمله شاغلان این دیوان مستوفی است و «مستوفی» سرآمد دفترداران باج و خراج و محاسب دخل و خرج است: «... و از خواجگان درگاه و مستوفیان چون طاهر و بوالفتح رازی و دیگران نزدیک بوسهل حمدوی می‌نشستند...» (بیهقی، ۱۳۸۵ ج ۵: ۷۸).

در کتاب اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی «استیفاء» در اصطلاح دیوانی عبارت از شغل و عمل مستوفی و کار مستوفی رسیدگی به امور و تنظیم دفترهای مربوط به آن و همچنین دخل و خرج یک ولایت یا همه مملکت بوده است. متصدی شغل استیفاء، مستوفی و دیوان مربوط به آن دیوان استیفاء نامیده می‌شده است. دیوان استیفاء یعنی تشکیلاتی که متصدی امور مالی کشور و مأمور جمع‌آوری خراج بوده است (انوری، ۲۵۳۵: ۵۶).

در دوره ایلخانی و تیموری وظیفه دیوان استیفاء یا امور مالی رسیدگی به امور کشور بوده و از مناصب آن منصب مستوفی بوده است (روستایی، ۱۳۹۵: ۳۴۲). در دوره صفویه برای هر یک از ایالات یا اداره‌های دولتی یک مستوفی برای انجام امور مالی اختصاص داشت که زیر نظر مستوفی‌الممالک انجام وظیفه می‌کرد. در دوره قاجار وظیفه عمده مستوفی رسیدگی به حساب جمع و خرج کشور و انجام امور مالی مرکز و ایالات و از جمله مالیات‌ها و مستمری‌ها و ادارات بود (نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۳۴۶؛ ملکم، بیتا ج ۲: ۲۲۲).

عبدالله مستوفی در کتاب خود درباره کار مستوفی چنین می‌گوید:

در هر سال بعد از ختم دوره عمل، باید محاسبه سال قبل صاحب‌جمعان رسیدگی شود و مستوفی مکلف بود گذراندن حساب سال قبل ولایات قلمرو خود را از حاکم بخواهد. حاکم تمام قبوض و اسناد خرج حساب خود را یا خود یا به وسیله پیشکارش نزد مستوفی می‌فرستاد. جمع این محاسبه، همان مبلغ جمع دستورالعمل بود مگر اینکه در عرض سال مقامات عالیه دولتی تخفیفی به مالیات ده یا بلوکی داده باشند که در این صورت تخفیف از آن کسر می‌گشت یا به خرج صاحب‌جمع می‌آمد. خرج این جمع همان مخارج دستورالعملی و قبض‌های رسید وجه

باقی دستورالعملی به خزانه‌دار بود ولی با این قید که باید قبض رسیدهای مصارف و مواجب اشخاص تحویل مستوفی شود تا مستوفی دقت‌های لازم را در صحت صدور رسیدها به عمل آورد و محاسبه را تنظیم کند و اگر باقی داشته باشد، حاکم نقداً باید به خزانه بپردازد و قبض رسید خزانه را تحویل کند که محاسبه باقی و فاضلی نداشته باشد. بعد از این اقدامات، مستوفی محاسبه نوشته حاضر را به دفترخانه می‌برد تا رسیدگی نهایی در آن به عمل آید. مستوفی ضابط اسناد خرج حکما باید در این رسیدگی نهایی شرکت کند و در ذیل کتابچه این محاسبه، صحت محاسبه و تحویل گرفتن اسناد خرج را تصدیق نماید، سپس به امضای مستوفی‌الممالک و صدراعظم برسد و شاه آخر همه ذیل آن را صحت بگذارد و به حاکم صاحب‌جمع بدهند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۴۲۳). بنابر توضیحات فوق میرزا اسدالله، محاسب دستگاه رحیم‌خان بیگلربیگی بوده است.

شاعر شعر کتیبه

سراینده شعر ملک‌الشعراء میرزا محمدحسین عنقا فرزند بزرگ رضاقلی خان همای شیرازی است. وی در سال ۱۲۶۰ق در اصفهان به دنیا آمد. از کودکی نزد پدر به تحصیل علم و ادب پرداخت و آموختن ادبیات فارسی و عربی را تکمیل کرد. سپس در محضر میرزا عبدالجواد حکیم خراسانی و آقا محمدرضا قمشه‌ای و دیگر علمای زمان علوم عقلی و نقلی و فلسفه و عرفان و کلام و فقه و اصول را آموخت. وی توجه خاصی به تاریخ به‌خصوص تاریخ شعرا و ادبا و نویسندگان داشت. انجمن عنقا محل تجمع معاصران وی از جمله: مسکین، الفت، آشفته، اختر، افسر، پرتو، ساغر، و... بود. محمدحسین عنقا در سال ۱۳۰۸ق وفات کرد و در تخت فولاد اصفهان داخل یکی از حجرات تکیه میرفندرسکی به خاک سپرده شد (همایی، ۱۳۴۳: ۱۶-۲۷ و ۷۴۶-۷۴۸؛ نصری، ۱۳۶۷: ۲۹-۷۹).

۴.۲. کتیبه چهارم

کتیبه چهارم این سنگاب وقف‌نامه‌چنه آن به نثر است که نام و نسب واقف به خط نستعلیق برجسته به شرح زیر بر آن حجاری شده است: «وقف جناب سیدالشهداء علیه‌السلام نمود عالیجاه آقا میرزا اسدالله ولد حاجی ابوالقاسم بجهت مسجد مرحوم رحیم‌خان بیگلربیگی اصفهان ۱۲۹۹» (تصویر ۹).

نتیجه‌گیری

- سنگاب‌ها به دو شکل مکعب مستطیل و مدور هستند و سنگاب موضوع این پژوهش مدور است.
- بر بدنه اغلب سنگاب‌ها یک یا دو کتیبه حجاری شده است اما بر سنگاب موضوع این پژوهش چهار کتیبه حجاری شده و نقوش تزئینی دیگری بر آن دیده نمی‌شود.
- از چهار کتیبه این سنگاب متن سه کتیبه شعر و یک کتیبه نثر است.
- سرایندگان اشعار کتیبه‌های سنگاب (به ترتیب ارائه در مقاله) عبارت اند از: میرزا محمدباقر خواجه‌ی متخلص به بهاء، عباسعلی لبنانی متخلص به خرم، و میرزا محمدحسین همای شیرازی متخلص به عنقا.

- کاتب کتیبه‌های سنگاب مشخص نیست.

- نام حجار و سازنده سنگاب مشخص نیست و نمیدانیم این اثر تاریخی و هنری از آثار کدام هنرمند دوره قاجار است.
- بانی سنگاب اسدالله است. از مضمون کتیبه‌های سنگاب چنین استنباط می‌شود که وی دبیر و مستوفی و محاسب معتمد رحیم‌خان بیگلربیگی حاکم اصفهان در دوره قاجار بوده است. او علاوه بر اینکه منشی و نویسنده رحیم‌خان بوده حسابدار مالیاتی دستگاه او نیز بوده و به حساب‌های مالیاتی و دخل و خرج‌ها رسیدگی می‌کرده است. از آنجا که رحیم‌خان خود بی‌سواد بوده تفویض این مناصب مهم به اسدالله بیانگر جایگاه رفیع او نزد رحیم‌خان و اعتماد و اطمینان وی به اسدالله بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- میرسیدحسن مجتهد (مدرس) اصفهانی از دانشمندان امامیه و از معارف علمای اصفهان (۱۲۱۰-۱۲۷۳ق) بود. وی مدرس جامع علوم معقول و منقول بوده و در تدریس بیانی گرم و نفسی مؤثر داشت و از این جهت به «مدرس مطلق» معروف بود. سیدحسن مجتهد صاحب تألیفات عدیده از جمله کتاب *جوامع الکلم* بود. او در همین مسجد امامت می‌کرد و پس از وفات در دهلیز مسجد به خاک سپرده شد (کتابی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۲۵-۱۲۷).

۲- به احوال وی در صفحات آتی پرداخته شده است.

۳- به احوال وی در صفحات آتی خواهیم پرداخت.

منابع

- افضل طوسی، غفت‌السادات و مریم پورحسن. (۱۳۹۱). «نقش نمادهای آئینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران». در *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۴۹ (سال سیزدهم، شماره ۱)، ص ۱۲۶-۱۶۱.
- افضل طوسی، غفت‌السادات و نسیم مانی. (۱۳۹۲). «سنگاب‌های اصفهان، هنر قدسی شیعه». در *فصلنامه علمی پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر*، سال دهم، ش ۲۷، ص ۴۹-۶۰.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: سخن.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۸۵). *تاریخ بیهقی*. به کوشش



تصویر ۹. کتیبه چهارم متن وقف‌نامه سگاب (عکس از: نگارنده)

در متن وقف‌نامه از نام واقف سنگاب، میرزا اسدالله فرزند حاجی ابوالقاسم و حاکم اصفهان رحیم‌خان بیگلربیگی و سال ساخت سنگاب نام برده شده است. به احوال میرزا اسدالله ضمن تحلیل متن کتیبه‌ها اشاره شد.

محمد رحیم‌خان بیگلربیگی از مردم سده (سده) اصفهان و از فراشان حکومتی بود. وی فردی بیسواد بود؛ اما چون حافظه‌ای بسیار قوی داشت به ضابطی کل بلوکات اصفهان و گمرک کرمانشاه و کاشان و یزد و اصفهان منصوب و منصب بیگلربیگی‌گری به وی تفویض شد. وی در تکمیل بنای مسجد مزبور همت گماشت و این مسجد به نام وی «مسجد رحیم‌خان» نامیده شد. رحیم‌خان سده‌ی در سال ۱۲۹۵ق وفات کرد (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۹۶).

بیگلربیگی کلمه‌ای ترکی - فارسی به معنای عالی‌ترین مقام حکومتی شهر در ردیف حاکم یا والی یا کلانتر است (مدرسی و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۵). این اصطلاح از ریشه ترکی «بیگ» به معنی «فرمانده» و سرور است و ظاهراً اولین بار در زمان سلجوقیان آناتولی و ایلخانیان به معنی «فرمانده» یا «فرمانروا» به کار رفته و تقریباً هم معنی اصطلاح عربی «امیرالامراء» است و پس از دوره ایلخانی برای مقام بالای فرماندار ولایات مورد استفاده قرار گرفته است. مینورسکی بیان کرده که بیگلربیگیان توسط حکومت مرکزی در اصفهان منصوب می‌شده اند (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۷۳-۳۷۴). بنا بر گفته میرزا سمیعا: «کسی که رتبه‌اش فوق همه است او را بیگلربیگی می‌نامند که بلافاصله پس از صدراعظم است و عده‌ای از لشکریان زیردست او هستند و در موقع غیبت شاه در حکم نایب‌السلطنه است» (سمیعا، ۱۳۶۸: ۱۳۹).

- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۴). *دانشمندان و بزرگان اصفهان*. ج ۲. تحقیق، تصحیح و اضافات رحیم قاسمی و محمد نیل‌فروشان. چ ۱. اصفهان: انتشارات گلدسته.
- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۲). *مزارات اصفهان از قرن سوم هجری تا زمان حاضر*. تصحیح و اضافات دکتر اصغر منتظرالقائم. چ ۱. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- میرزافیها، (۱۳۸۵). *دستورالملوک*. به کوشش و تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی. ترجمه علی کردآبادی. با مقدمه دکتر منصور صفت-گل. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- میرزا سمیعا. (۱۳۶۸). *تذکره‌الملوک*. به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی. تهران: امیرکبیر.
- نصری، عبدالله. (۱۳۶۷). *کارنامه همایی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- نظام‌السلطنه، حسینقلی‌خان. (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد*. به کوشش معصومه مانی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان و حمید رام-پیشه. چ ۲. تهران: نشر تاریخ ایران.
- هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: انتشارات ثقفی.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۴۳). *برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان از خاندان همای شیرازی (ملک‌الشعراء محمدحسین عنقاء، ملک‌الادباء محیی‌الدین محمدی، محمدنصیر ابوالقاسم طرب)*. با مقدمه و تعلیقات و حواشی از دیوان جامع جلال‌الدین همایی. تهران: کتابفروشی فروغی.

- خلیل خطیب‌رهبر. چ ۱۰. دوره ۳ جلدی. تهران: مهتاب.
- تحویل‌داری، حسین‌خان. (۱۳۸۸). *جغرافیای اصفهان*. تصحیح دکتر منوچهر ستوده. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- جابری انصاری، حسن‌خان. (۱۳۷۸). *تاریخ اصفهان*. تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری. اصفهان: مشعل.
- خرم اصفهانی، عباسعلی. (۱۳۸۷). *دشت خرم*. تصحیح علیرضا لطفی. چ ۱. اصفهان: کانون پژوهش.
- دادمهر، منصور. (۱۳۷۸). *پژوهشی درباره سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان*. اصفهان: انتشارات گل‌ها.
- روستایی، محسن. (۱۳۹۵). *ادبیات تاریخی و دیوانسالاری ایران «عهد مغول تا سرآغاز دولت صفویه» با تکیه بر متون نثر فارسی و اسناد مکتوب تاریخی و محوریت بررسی لغات و اصطلاحات دیوانی - اجتماعی و سندشناسی (قرن هفتم تا پایان قرن نهم هجری)*. تهران: ندای تاریخ.
- کتابی، سیدمحمدباقر. (۱۳۷۵). *رجال اصفهان در علم و عرفان و ادب و هنر*. اصفهان: انتشارات گل‌ها.
- مدرسی، یحیی و حسین سامعی و زهرا صفوی مبرهن. (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار قشون و نظمیه*. چ ۱. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین شاه*. تهران: زوّار.
- ملک‌م، سر جان. (بی‌تا). *تاریخ ایران*. به کوشش شیخ محمد اصفهانی. بی‌جا: بی‌نا.